

# بررسی تطبیقی رویکرد قرآن پژوهی «آمنه ودود» و «عایشه بنت الشاطی» (با تأکید بر مبانی و روش‌ها)\*

- ابراهیم ابراهیمی<sup>۱</sup>
- فاطمه دسترنج<sup>۲</sup>

## چکیده

شناخت رویکردهای قرآن پژوهی مفسران، زمینه فهم، تحلیل و نقد آرا و نظرات ایشان را فراهم می‌سازد؛ زیرا متون تفسیری، متأثر از جهان بینی و انگاره‌های ذهنی مفسر و نیز بازتابی از اقتضانات فرهنگی و اجتماعی عصر اوست. تأثیر عنصر جنسیت نیز در فهم متون دینی از جمله مقولاتی است که اخیراً در حوزه فهم و تفسیر قرآن، موضوعیت یافته است. از این رو، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در یک بستر تطبیقی به بررسی گرایش، مبانی و روش‌های تفسیری «آمنه ودود» و «بنت الشاطی»، دو تن از بانوان قرآن پژوه پرداخته است. نتایج به دست آمده، حاکی از آن است که گرایش تفسیری آمنه ودود، اجتماعی، فراجنسیتی و عدالت‌محورانه است. او در این راستا از روش هرمنوتیکی و تحلیل‌های فلسفی در تبیین گفتمان‌های قرآن بهره برده است. جهت‌گیری مبانی و روش‌ها

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) (ebrahimi978@atu.ac.ir).
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (f-dastranj@araku.ac.ir).

در فهم قرآنی آمنه ودود در تفسیر اجتماعی اش، او را به احکام اسلامی در حوزه زنان می کشاند تا خوانشی نو و عصری از آن‌ها ارائه دهد. اما گرایش تفسیری بنت‌الشاطی، ادبی - کلامی در راستای اعجاز بیانی قرآن است. او تلاش دارد تا از نگاه زبان‌شناسانه، بر اعجاز بیانی قرآن تأکید کند و آرای بی همسو با جریان تفسیر بیانی را مطرح نماید.

**واژگان کلیدی:** آمنه ودود، عایشه بنت‌الشاطی، مطالعه تطبیقی، تفسیر ادبی، تفسیر بیانی.

## ۱. مقدمه

بخش عظیمی از مطالعات قرآنی، شامل بررسی مبانی و روش‌هایی است که مفسران و پژوهشگران قرآنی در تفاسیر و یا برداشت‌های قرآنی خود ارائه می‌دهند. شناخت گرایش‌های تفسیری و نیز مبانی و روش‌های مفسران، این امکان را می‌دهد که علاوه بر دریافت بهتر و دقیق‌تر نظرات آنان، زمینه نقد مناسب و کارآمد نیز فراهم شود؛ زیرا تا زمانی که مبانی و مباحث پایه و اصولی شناخته نشوند، امکان نقد صحیح و یا بهره‌گیری و توسعه نظرات قابلیت چندانی ندارد.

با توجه به اینکه هر اثری، بیانگر جهان‌بینی و انگاره‌های ذهنی پدیدآورنده خویش است، می‌تواند بازتابی از اقتضانات فرهنگی و اجتماعی نیز باشد. عنصر جنسیت نیز در این راستا بی‌تأثیر نبوده و مخصوصاً در فهم متون دینی از جمله مقولاتی است که اخیراً در حوزه فهم و تفسیر قرآن، موضوعیت یافته است.

عایشه بنت‌الشاطی از برجسته‌ترین شاگردان امین خولی است که در فضای ادبی و قرآنی مصر بسیار تأثیرگذار بوده و از نظریه‌پردازان تفسیر بیانی قرآن است. بنت‌الشاطی ایده‌های امین خولی را در کتابی به نام *التفسیر البیانی* مطرح کرده است.

آمنه ودود نیز قرآن‌پژوهی است که بر مبنای بازتفسیر قرآن و بررسی‌های مربوط به زمینه آیات، کوشیده است تا به تفسیری متفاوت در مقایسه با تفسیرهای سنتی دست یابد.

از این رو در پژوهش حاضر بر آن شدیم تا به بررسی نظرات و آرای تفسیری «آمنه ودود» و «عایشه بنت‌الشاطی»، دو تن از مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر بپردازیم و با استفاده

از روش توصیفی - تحلیلی در یک بستر تطبیقی، به این سؤال پاسخ دهیم که مهم ترین مبانی و روش های قرآن پژوهی آمنه ودود و بنت الشاطی چیست؟ و گرایش های غالب آنان در تفسیر قرآن کدام است؟

عنصر جنسیت از یکسو و نیز مبانی و مواضع هرمنوتیکی خاص، دلیل بررسی تطبیقی رویکردهای بنت الشاطی و آمنه ودود است. به رغم جنبه های بیانی تفسیر بنت الشاطی، آرای تفسیری او متأثر از نوعی نگاه هرمنوتیکی است که مُلهم از اندیشه های استادش امین خولی است. آمنه ودود نیز در آثارش به مواضع هرمنوتیکی خود تصریح می کند؛ لذا تطبیق دیدگاه های این دو اندیشمند می تواند از یکسو به شناخت اندیشه های قرآنی آنان بینجامد و از سوی دیگر، دغدغه های فکری این مفسران و اثر زمانه و مقتضیات آن را بر افکارشان بازنمایاند.

## ۲. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت این دو پژوهشگر و اندیشمند قرآنی، مطالعات و پژوهش هایی به صورت جداگانه پیرامون هر یک انجام شده است.

در رابطه با آمنه ودود مقالاتی مانند:

- مقاله «قرآنی نو از قرآن با رهیافتی زن محور؛ بررسی دیدگاه های آمنه ودود در کتاب قرآن و زن» (عباسی و موسوی، ۱۳۹۴) که هدف آن معرفی و بررسی برخی از دیدگاه های ودود در کتاب قرآن و زن است.

- مقاله «متن گرایی تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آمنه ودود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ سوره النساء» (خندق آبادی، ۱۳۹۴) که در آن به مباحث هرمنوتیک و روشی در تفسیر آیه ۳۴ نساء و تغییر موضع ودود نسبت به تفسیر آیه ۳۴ پرداخته شده است.

- مقاله «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آمنه ودود از قرآن» (بارلاس، ۱۳۹۲) که در آن بر این نکته تأکید شده که از منظر قرآن، مردان هیچ برتری بر زنان ندارند؛ اما از آنجا که در طول تاریخ، تفاسیر قرآن متأثر از ذهنیت مردسالارانه جوامع اسلامی نوشته شده، همواره دارای سوگیری های مردانه بوده است.

در رابطه با بنت الشاطی نیز مقالاتی همچون:

- مقاله «بنت الشاطی و ساماندهی تفسیر ادبی» (شاکر و ساکی، ۱۳۹۳). قابل ذکر است که در این مقاله، ضمن معرفی عایشه بنت الشاطی و اندیشه‌های امین خولی در مکتب ادبی تفسیر قرآن، مواردی که در روش تفسیری بنت الشاطی نقشی کلیدی دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- مقاله «شیوه تفسیر بیانی در "التفسیر البیانی"» (طیب‌حسینی و سهرابی کواری، ۱۳۹۵) که این مقاله در صدد معرفی شیوه‌های به کاررفته در تفسیر بنت الشاطی است. اما آنچه پژوهش حاضر را از آثار پیش گفته متمایز می‌کند، بررسی تطبیقی رویکرد، مبانی و روش قرآنی ایشان و تحلیل تفاوت یا شباهت خوانش قرآنی آنهاست.

### ۳. آشنایی مختصر با آمنه ودود

آمنه ودود در سال ۱۹۵۲ میلادی در آمریکا در یک خانواده سیاه‌پوست به دنیا آمد. نام اصلی او مری تریزلی<sup>۱</sup> است. ارزش‌های انسانی در جامعه‌ای که ودود زیسته، بر مبنای رنگ پوست، جنسیت و ثروت سنجیده می‌شد و جایگاه وی در هر سه مورد، جایگاهی مناسب تلقی نمی‌شد. وی در سال ۱۹۷۲ م. اسلام آورد. او تحصیلات خود را در مطالعات خاورمیانه و مطالعات اسلامی و عربی به انجام رسانید و در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی به تدریس مشغول شد. در همین دانشگاه بود که او به انجمن «خواهران مسلمان» پیوست و جزوه‌های متعددی را که مؤید حمایت قرآن از برابری جنسیتی بود، منتشر کرد. ودود حاصل بازخوانی‌اش از قرآن را در کتابی با نام قرآن و زن؛ بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن<sup>۲</sup> به زبان انگلیسی منتشر کرد که در بردارنده مبانی و نتایج دیدگاه او درباره نگاه قرآن به زن و نقش و جایگاه اجتماعی اوست. کتاب دیگر او، جهاد جنسیتی؛ اصلاحات زنان در اسلام<sup>۳</sup> است که با محوریت خانواده در اسلام و تأکید بر اصلاحات جنسیتی است که به عنوان چالشی اخلاقی در راستای برقراری برابری قرآنی و اصلاح نگرش‌ها نسبت به زنان است (Wadud, 1999: 6).

1. Mara Treasley.

2. *Quran and Woman: Rereading the Interpretation Sacred Text from a Woman's Perspective.*

3. *Inside the Gender Jihad, Women's Reform in Islam.*

از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار در جریان فهم قرآنی آمنه ودود می‌توان به سید قطب، فضل‌الرحمن<sup>۱</sup> و خالد ابوالفضل<sup>۲</sup> اشاره کرد.

#### ۴. آشنایی مختصر با عایشه بنت الشاطی

عایشه عبدالرحمن، مشهور به بنت‌الشاطی در سال ۱۳۳۱ ق. / ۱۹۱۳ م. در مصر به دنیا آمد. او تحصیلات عالی خود را در ادبیات عربی دنبال کرد. در مقطع دکتری در سال ۱۹۵۰ م. از رساله خود درباره ابوالعلاء معری دفاع کرد. سپس در دانشگاه عین شمس قاهره به تدریس زبان و ادبیات عربی پرداخت و پس از بازنشستگی در اواخر دهه ۶۰ م.، استاد مطالعات عالی قرآن در دانشگاه قرویین در شهر فاس مراکش گردید (طیب‌حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶). بنت‌الشاطی پیش از اینکه در سن ۸۵ سالگی در سال ۱۹۸۸ م.، دار فانی را وداع گوید، بیش از ۴۰ کتاب و مقاله در موضوعات مطالعات اسلامی، قرآن، زبان، ادبیات و تاریخ، از خود بر جای گذاشت. *التفسیر البیانی للقرآن الکریم* از برجسته‌ترین آثار اوست که در دو جلد به چهارده سوره از سور قرآن پرداخته است، که سیزده سوره آن از سور کوتاه جزء سی‌ام قرآن به همراه سوره قلم از جزء بیست و نهم است. از شخصیت‌های تأثیرگذار در زندگی حرفه‌ای و مطالعاتی وی، «امین خولی» است که استاد بنت‌الشاطی محسوب می‌شد. مبانی و گرایش تفسیری امین خولی بر او بسیار تأثیرگذار بوده است؛ به نوعی که بنت‌الشاطی ادامه‌دهنده و توسعه‌دهنده سخنان و نظرات امین خولی در حوزه تفسیر قرآن است.

#### ۵. بررسی مبانی فهم و تفسیر قرآن

لغت‌شناسان مبانی را جمع مبنا به معنای بنیاد، بنیان، اساس و پایه دانسته (ابن فارس، ۱۴۰۷: ۲۸۱/۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶۴/۱) و آن را با واژگانی چون اصل، قاعده و ضابطه

۱. فضل‌الرحمن (۱۹۸۸-۱۹۱۹ م.) اندیشمند پاکستانی و از شخصیت‌های تأثیرگذار در «نهضت بازگشت به قرآن» بود که در صدد بود با ارائه روشی مناسب برای تفسیر قرآن، بر جاودانگی پیام قرآن در عین انطباق با شرایط عصر نزول تأکید کند.

۲. خالد ابوالفضل از نواندیشان معاصر و از حامیان کثرت‌گرایی فرهنگی و مذهبی است و مقالات و تألیفاتی در زمینه اسلام و شریعت اسلام دارد.

مترادف شمرده‌اند. محقق باید ابتدا دیدگاه خود را نسبت به مبانی فهم مشخص سازد و در چارچوب آن به تحقیق بپردازد. در همین راستا، «مبانی تفسیر قرآن، شناخت‌ها و باورهای بنیادین درباره قرآن و ویژگی‌های آن هستند که در چگونگی تفسیر قرآن و تعیین قواعد و روش آن تأثیر می‌گذارند و به این صورت، زیربنای تفسیر قرار می‌گیرند». در این بخش به بررسی مبانی آمنه و دود و عایشه بنت‌الشاطی در فهم و تفسیر قرآن می‌پردازیم.

### ۱-۵. جاودانه بودن و فراعصری بودن پیام قرآن

به باور آمنه و دود، قرآن علی‌رغم گزارش حوادث تاریخی، پیامش را به صدر اسلام منحصر نکرده و رسالتی جاودانه دارد. هدف قرآن از منظر او، برتری جستن در اصول خاص تحولات بشری مانند عدالت و برابری و توازن است و هر زمان و در هر مکانی که این ویژگی‌های اساسی وجود داشته باشد، غایت نهایی قرآن برای جامعه بشری تحقق یافته است (ودود، ۱۳۹۳: ۱۶۴-۱۶۵).

بنت‌الشاطی نیز با وجود اینکه چون آمنه و دود، گرایش اجتماعی ندارد، به نوعی بر فراعصری بودن پیام قرآن تأکید می‌کند؛ آنجا که در بحث سبب نزول اعتقاد دارد که شأن نزول، مانع عمومیت آیه نیست و جایگاه سبب نزول، فهم ظروفی است که ملابس نزول آیه‌اند. سبب نزول به معنای علیت نیست، به این مفهوم که اگر نبود، آیه‌ای هم نازل نمی‌شود و در واقع عبرت در آیه به عموم لفظی است که از صریح نص فهمیده می‌شود، مگر اینکه با قرینهٔ بیّنه و یا صراحتی در نص متعین در خصوص موضوعی نازل شود (عبدالرحمن، ۱۹۶۲: ۸/۱-۹). بنابراین می‌توان گفت عبرتی که بنت‌الشاطی در نظر دارد، همان پیامی است که باید به مخاطب قرآن در هر عصری برسد و لزوماً منحصر در مخاطب عصر نزول نمی‌شود.

### ۲-۵. محوریت قرآن در استنباط نظریات تفسیری

بنت‌الشاطی در مباحث نحوی و قواعد بلاغی، قرآن را اصل قرار می‌دهد که هر آنچه بر قرآن عرضه شود، اگر موافق کتاب‌الله است، پذیرفته می‌شود و در صورت مغایرت مردود است؛ زیرا از نظر او، قرآن در بُعد اعجاز ادبی و بیانی بی‌نظیر است و

نص محکمی است که شائبه جعل و تحریف در آن راه ندارد و همانند شواهد شعری نیست که دچار تنگناهای ضرورت شعری شده باشد و راه تأویل به روی آن باز باشد (همان: ۱۱). به همین جهت بنت‌الشاطی بسیاری از تأویل‌های مفسران در قواعد نحوی را رد می‌کند.

این مبنا را در کلام آمنه ودود نیز می‌توان یافت؛ زیرا او اعتقاد دارد که تفاسیر کلاسیک بر اساس نگاه مردانه نوشته شده‌اند، در حالی که قرآن، نگاه جنسیتی ندارد. وی با رجوع به قرآن تلاش دارد تا نگاه واقعی به زن را باز یابد و در کتاب *جهاد جنسیتی* بیان می‌کند که متن قرآن شاخص اولیه برای معناسازی عدالت اجتماعی در چارچوب اسلام است (Wadud, 2006: 204).

### ۳-۵. تمایز زبان قرآن و زبان عربی

در قاعده آمنه ودود در مواجهه با زبان عربی، دو نکته مدنظر است: نکته اول جنسیت‌مندی زبان عربی است. در بررسی زبان قرآن باید در نظر داشت که در زبان عربی، واژه خنثی وجود ندارد و این امر بدان معناست که هر واژه یا مذکر است یا مؤنث؛ با این حال نمی‌توان گفت که کاربرد هر واژه برای شخص مذکر یا مؤنث، لزوماً آن را به این جنسیت‌ها محدود می‌کند (عباسی و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). بنابراین از نظر او، کشف معنای دقیق قرآن تنها در صورتی امکان‌پذیر است که کارکرد زبان، ساختارهای صرف و نحو بافت متنی که واژه‌ای خاص در آن به کار رفته، مطالعه شود (بارلاس، ۱۳۹۲: ۲۹).

نکته دوم هم عدم امکان تحقق الوهیت در قالب دستور زبان انسانی است. ودود معتقد است که خطاپذیری زبان انسانی از طریق تحلیل وسیع متن اثبات می‌شود و هیچ متنی هرگز معرف کامل الله و طرز گفتار انحصاری او نیست (Wadud, 2006: 204). این گفته به معنای آن است که میان متن قرآن و خداوند تمایز قائل است. او می‌گوید:

«زبان انسانی بی‌پرده‌گویی خداوند را محدود می‌کند و اگر وحی به واسطه متن، لازم است به زبان انسانی باشد، پس وحی نمی‌تواند الهی یا غایی و ابدی باشد و این از منبع الهی بودن وحی مجزاست» (Ibid.: 202).

این مبنا زمانی که با مبنای اصل توحید ترکیب می‌شود، متضمن این معناست که خداوند کاملاً یگانه و بی‌نظیر است و نمی‌تواند در اصطلاحات و عبارات انسانی نشان داده شود (Hidayatullah, 2014: 120-122). ودود در این نگاه، متأثر از خالد ابوالفضل است. او اعتقاد دارد که زبان در رساندن وحی الهی واسطه‌ای ناکامل است و الوهیت نمی‌تواند به واسطه یک متن یا دستور شرعی نشان داده شود (Wadud, 2006: 213).

بنت‌الشاطی زبان و حتی روحیه عربی را در بیان مقصود خداوند مهم می‌داند و می‌گوید:

«فرض ما این است که زبان قرآن، همان فرهنگ و زبان عربی است؛ لذا برای درک مقاصد و فهم دلالت الفاظ آن باید دلالت لغوی اصیلی را که حس عربی به ما می‌بخشد، بیابیم و با استفاده از کاربردهای مادی و مجازی لفظ، به معنای اصلی کلام دست یابیم» (عبدالرحمن، ۱۹۶۲: ۱۱/۱).

روشن است که در تفسیر ادبی که نوعی گرایش زبانی و بیانی است، قرآن به مثابه یک متن مورد توجه قرار می‌گیرد.

ورای تفاوتی که در نوع نگاه آمنه ودود و بنت‌الشاطی نسبت به زبان قرآن وجود دارد، می‌توان نوعی شباهت را نیز پی جست. از آنجا که بنت‌الشاطی، اعجاز قرآن را در جنبه بیانی آن منحصر کرده و معتقد است تحدی قرآن پیش از آنکه ناظر بر محتوای قرآن باشد، ناظر به وجوه بیانی آن است، تقریر نگاه نواندیشانی چون خالد ابوالفضل که زبان را در رساندن وحی الهی واسطه‌ای ناکامل می‌داند، مشهود است؛ چون این دیدگاه ناظر به مفاهیم و معارف قرآن است.

#### ۴-۵. نگاه فراجنسیتی

از جمله پیش‌فرض‌های آمنه ودود با توجه به آرای سید قطب این است که اسلام به‌لحاظ جنسیتی و حقوق انسانی، میان زن و مرد برابری کامل برقرار کرده و یکی را بر دیگری برتر ندانسته است و مرد و زن را به‌لحاظ دینی و معنوی از نظر شایستگی برای مالکیت و تصرف اقتصادی برابر می‌داند (عباسی و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). آمنه ودود از این روح کلی قرآن برای دستیابی به تساوی و عدالت برای زنان که متأثر از نهضت فمینیسم



است، کمک می‌گیرد. «فمینیسم لیبرال بر اساس حقوق مساوی برای همه انسان‌ها پایه‌گذاری شده و به دنبال تساوی و مبارزه با مردسالاری بوده است» (انوشیروانی، ۱۳۸۱: ۸۶/۱). ودود معتقد است که بر خلاف ادعای بیشتر مسلمانان، «قرآن از تفاوت‌های اساسی میان زنان و مردان در خلقت، در ظرفیت و نقش اجتماعی، در قابلیت هدایت و در پاداش‌های اخروی سخن نمی‌گوید» (Wadud, 1999: 7). همچنین با توجه به سختگیری‌ها نسبت به نقش‌های جنسیتی در جوامع اسلامی، قرآن نگاهی فراجنسیتی داشته و تأکید بر جنسیت خاصی ندارد، چنان که نقش خاصی را ویژه جنسیتی خاص نکرده است (Ibid.: 8).

نقد ودود بر تفسیر کلاسیک، مربوط به این مسئله است که تعالیم قرآن چگونه از طریق نگاه جنسیتی شکل می‌گیرد. به اعتقاد او، این واقعیت که قرآن غالباً توسط مردان تفسیر شده، بیانگر ماهیت مردانه تفسیر از یکسو و گرایش ضد زنانه آن از سوی دیگر است. بنابراین در اصول و پارادایم‌های تفسیر قرآن، زنان و تجربه‌های مربوط به آنان، یا غالباً مورد بی‌توجهی و غفلت واقع شده و یا از منظری مردانه به آن پرداخته شده و لذا مطابق خواسته‌ها و نیازهای مردان تفسیر شده است (Ibid.: 2). این نگاه شبیه به نگاه فمینیست‌های رادیکال است. آن‌ها تمام عناصر فرهنگ از جمله علوم و دانش‌های موجود را دستاوردهای نظام مردسالار می‌دانند که به دست مردان و برای منافع آنان و به سلطه‌کشاندن زنان طراحی شده است (ر.ک: ریتزر، ۱۳۷۴؛ ویلفورد، ۱۳۷۵؛ رودگر، ۱۳۸۸).

راه حلی که ودود برای از بین رفتن این سلطه پیشنهاد می‌دهد این است که زنان با تجربه‌هایشان باید در فرایند تفسیر قرآن مشارکت داشته باشند و هیچ کس بهتر از آنان نمی‌تواند زنان را تعریف کند (بارلاس، ۱۳۹۲: ۲۹). البته این راه به آسانی پیموده نمی‌شود. با وجود تمام تلاش‌ها، آمنه ودود در کتاب *جهاد جنسیتی* در اثبات تساوی جنسیتی در قرآن اذعان می‌دارد که پس از سال‌ها نتوانسته است فهم درستی از آیه ۳۴ سوره نساء به دست آورد (Wadud, 2006: 200).

لازم به ذکر است که اگرچه اعتقاد آمنه ودود پیرامون نگاه فراجنسیتی قرآن در مباحث اعتقادی و معنوی کاملاً درست است، اما این مطلب به صورت مطلق نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا پر واضح است که نگاه قرآن به اقتضائات مختلف، فراجنسیتی نیست؛ مثلاً

در جهاد و مدیریت زندگی، نگاه مردانه و در مقابل در تعامل با فرزندان، زنانه است. از سوی دیگر، این ادعای آمنه و دود که تفسیر قرآن توسط مردان موجب گرایش ضد زنانه قرآنی می‌شود، قابل نقد است. شاید بتوان چنین بیان کرد که جامعیت قرآن اقتضا دارد که افراد مختلف اعم از مرد و زن با گرایش‌ها، روش‌ها و تخصص‌های گونه‌گون می‌توانند از دریای بیکران قرآن حظ وافر ببرند و در این میان، سهم مردان در این بهره‌گیری افزون‌تر بوده است.

نگاهی به آثار بنت‌الشاطی آشکار می‌سازد که ایشان نیز از تحولات و گرایش‌های فمینیستی زمان خود بی‌اطلاع نیست؛ اما نگاه او به این مسئله با نگاه و گرایش و دود متفاوت است. او در کتاب *المفهوم الاسلامی لتحریر المرأة*، تساوی زن و مرد به مفهوم جدید آن را نمی‌پذیرد. با وجود این، بر اینکه زن و مرد یکدیگر را کامل کرده و برای تحقق بخشیدن به کمال وجودی‌شان به هم نیاز دارند، تأکید می‌کند. به اعتقاد وی، هرچند مطابق آیات قرآن، مردان بر زنان حق سرپرستی دارند، اما هیچ‌یک از این دو، مسئول اعمال دیگری نیست و تفاوت نسل جدید زنان با گذشتگان در این است که زنان امروز از حقوق خدادادی خود باخبرند و می‌دانند که باید این حقوق را بگیرند و بطلبند، نه آنکه با لطائف‌الحیل آن‌ها را به عنوان هدیه از چنگ مردان به در آورند (کریمی‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۵۳/۴).

بنابراین هرچند بنت‌الشاطی درباره این مسائل سخن گفته و به نگارش مقالاتی روی آورده است، اما پیدا است که این موضوع برای او مسئله اولویت‌داری در تفسیر قرآن نبوده است. وی به احقاق حقوق زنان اشاره می‌کند، اما این امر با گرایش اصلی‌اش در تفسیر قرآن قرابتی ندارد.

## ۵-۵. اصل توحید یا پارادایم توحیدی

پارادایم توحیدی، مبنایی است که در نظرات آمنه و دود دیده می‌شود. نواندیشان مسلمان ادعای خود در لزوم ارائه تفاسیر جدید از قرآن را بر مفهوم توحید بنا نهاده و اعتقاد دارند که فهم کامل قرآن فقط متعلق به خداوند است و مفسر با ادعای کسب دانش کامل از پیام الهی در نقش خداوند قرار می‌گیرد (Hidayatullah, 2014: 118).

با توجه به اصل توحید، اعلام برتری مردان بر زنان در تفاسیر کلاسیک از آیات قرآن، نوعی شرک یا چندخدایی است. ودود و عزیز الحبری با جنبه‌های برتری مردان بر زنان به دلیل تضاد آن با مفهوم توحید خداوند مخالفت کرده و تفاسیر قرآنی این‌چنینی را نسبت به مسئله توحید، غیر قابل پذیرش می‌دانند (Ibid.). برای مثال با توجه به این اصل و مرجعیت یگانه خداوند، تفسیری که از آیه ۳۴ سوره نساء اراده می‌شود و در آن، زنان مطیع شوهران معرفی می‌شوند، اشتباه و بر پایه شرک است<sup>۱</sup> (Ibid.: 113-115). همچنین با توجه به این اصل، اگر تفاسیر نزدیک به عصر نزول را به عنوان تفسیر قطعی بدانیم، در واقع مرجعیتی را برای آنان قائل شده‌ایم که فقط متعلق به خداوند است و این تمایز میان اراده الهی و فهم و دانش انسانی اختلال ایجاد می‌کند<sup>۲</sup> (Ibid.: 118).

## ۶. بررسی روش‌های فهم و تفسیر قرآن

روش که معادل عربی آن «منهج» و معادل انگلیسی آن method است، شیوه‌هایی است که برای فهم مدلول کلام از آن‌ها کمک می‌گیرند. «روش، برخاسته از مبانی است و ارتباط فراوان با منابع و مستندات و ابزارهایی دارد که محقق در فرایند پژوهش از آن‌ها کمک می‌گیرد» (مؤدب، ۱۳۸۸: ۳۷). هر پژوهش مکتوب یا تفکر نانوشته‌ای، خواه ناخواه روشی دارد. اگر فکر را به حرکتی به سوی مبادی و از مبادی به سمت مقصد تعریف کنیم، بی‌شک این حرکت دو قسمتی، همراه با روش است. «روش در ارتباط مستقیم با عواملی نظیر موضوع، هدف، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است و براساس آن‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین روش از نظریه‌ای که مبتنی بر آن است نیز تأثیر می‌پذیرد» (پارسانیا، ۱۳۸۳: ۱۰). آمنه ودود و عایشه بنت‌الشاطی نیز هر یک در فهم قرآنی و برداشت خود از قرآن که به نوعی به تفسیر آن‌ها از قرآن می‌انجامد، دارای روش‌هایی هستند.

۱. در نقد این نظر می‌توان گفت که خداوند در آیات دیگر قرآن هم بر اطاعت اولی‌الامر و یا اطاعت و احسان به والدین تأکید و امر می‌نماید. پس بر اساس اصل توحید می‌توان در این آیات هم خدشه کرد.
۲. البته باید گفت که این دیدگاه را نمی‌توان به تمام اندیشمندان مسلمان نسبت داد. از سوی دیگر، اگر مسلمانان این مرجعیت را پذیرفته بودند، دیگر نیاز به نوشتن تفسیر جدید نبود. هرچند تتبع در نظر پیشینیان و آشنایی با نظرات آنان زمینه را برای نوشتن تفسیر جامع‌تر هموار می‌کند، اما این امر لزوماً به معنای پذیرش قطعی نظرات آنان نیست.

## ۱-۶. رویکرد کل‌گرایانه به قرآن و مطالعه موضوعی آن

قرآن را می‌توان به صورت ترتیبی و آیه به آیه تفسیر کرد و یا به سراغ یک موضوع در قرآن رفت و آیات نازل شده پیرامون آن موضوع را بررسی نمود. در روش دوم که به تفسیر موضوعی مشهور است، مفسر تلاش دارد تا فضای کلی و نظر جامع قرآن را حول یک موضوع خاص مشخص نماید. در اینجا رویکرد کل‌نگری قرآن مدنظر است. آمنه ودود نیز تفسیر خود از قرآن را جزء تفاسیر کل‌گرایانه می‌داند (ودود، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۱) که براساس روابط درون‌متنی در خدمت فهم و تبیین فضا یا روح قرآنی می‌باشد (بارلاس، ۱۳۹۲: ۲۸). ودود درباره تفاسیر دوره کلاسیک بیان می‌دارد که در این تفاسیر، تفسیر آیه به آیه انجام شده و تلاشی درباره شناخت موضوعات و بحث درباره رابطه اجزای قرآن با یکدیگر به طور موضوعی صورت نپذیرفته یا تلاش اندکی شده است. به اعتقاد او، حتی زمانی که برخی از مفسران به رابطه میان دو آیه اشاره دارند، هیچ اصل تفسیری را به کار نمی‌گیرند، چنان که «روشی برای پیوند دادن مفاهیم، ساختارهای زبانی، اصول یا موضوعات با یکدیگر تقریباً وجود ندارد» (Wadud, 1999: 2).

بنت‌الشاطی نیز به ضرورت تفسیر قرآن به صورت موضوعی با استقصای همه آیات مربوط به موضوع اعتقاد دارد و با بیان اینکه «القرآن یفسر بعضه بعضاً»، خود را متلزم به رعایت این روش می‌داند (عبدالرحمن، ۱۹۶۲: ۱۸/۱).

هم ودود و هم بنت‌الشاطی تفسیر ترتیبی را تفسیری نا کارآمد می‌دانند.

## ۲-۶. جریان باز تفسیری

آمنه ودود به تأسی از خالد ابوالفضل، تفسیر قرآن را یک جریان باز و رو به تکامل می‌داند (Hidayatullah, 2014: 119 & 142) و همین امر، ارائه فهم جدید و خوانش‌های نو از قرآن را ضروری می‌نماید. این نگاه از اعتقاد به فلسفه هرمنوتیک بیرون می‌آید؛<sup>۱</sup> چراکه یکی از فرضیه‌های اساسی هرمنوتیک این است که تفسیر، فرایندی بی‌پایان است

۱. در عینیت‌گرایی و تعین معنا، اگر مفسر در فرایند تفسیر متن، به مقصود مؤلف دست یابد، به امری ثابت و فراتاریخی رسیده است. این نگره در برابر نسبی‌گرایی هرمنوتیک فلسفی قرار دارد که به علت اعتقاد به پیوند محتوای فهم با امور متغیر، به تاریخی بودن فهم و تغییرپذیری آن حکم کرده است (واعظی ۱۳۸۳: ۴۳۴).

که هیچ نگاه واحدی نمی‌تواند پایان‌بخش آن باشد (Ricoueur, 1981: 189). برای رسیدن به چنین مقصودی باید روش‌شناسی کلاسیک اسلامی را کنار گذاشت و با معنای غیر ثابت که قابل رشد و تکامل است، روبه‌رو شد (Abou El Fadl, 2001: 146). در دیدگاه «درنگ وجدانی» که توسط خالد ابوالفضل ارائه شده، هر فرد مسلمان برای فهم شریعت وظیفه دارد که اراده الهی را در متن جست‌وجو نماید (Wadud, 2006: 201). آینه ودود تحت تأثیر این نگاه، به تمایز کلام خدا و درک زمینی آن معتقد است. به نظر او:

«آنچه از متن زیر عنوان تفسیر ریشه می‌گیرد، نه یکی است و نه همان چیزی است که خدا اراده کرده است» (Id., 2000: 11).

این باور به او امکان می‌دهد تا بینش هرمنوتیکی جدید را بپذیرد که معتقد است تفسیر، مسئله‌ای ذهنی و ناتمام است.

ودود معتقد به تغییرناپذیری قرآن و بر این باور است که فهم ما از تعالیم قرآن می‌تواند و می‌باید دستخوش تغییر باشد (بارلاس، ۱۳۹۲: ۲۸).

در مقابل، بنت‌الشاطی این جریان باز تفسیری را نمی‌پذیرد. جدای از نگاه هرمنوتیکی که در آرا و نظرات بنت‌الشاطی جایگاهی ندارد، شاید بتوان گفت که وی برداشت‌های متکثر را بر نمی‌تابد؛ زیرا او در مقابل وجوه معنایی که برای یک واژه بیان می‌شود، آن را رد کرده و به مفسرانی که وجوه مختلف را بر یک واژه حمل می‌کنند، انتقاد می‌کند.

### ۳-۶. توجه به بافت و زمینه نزول آیات

ودود اعتقاد دارد که متن قرآن، تحت فشار و قید و بند دو عامل زبان انسانی و محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، قانونی و زبانی بافت عربستان قرن هفتم می‌باشد (Wadud, 2006: 204) و ما باید متن را از این محدودیت‌های زبانی و فرهنگی رها سازیم (Ibid.: 203). پس توجه به بافت و زمینه نزول آیات به این جهت است که بتوان محدودیت‌ها را شناخت و خطوط کلی را از قرآن دریافت نمود.

ودود با اشاره به اینکه قرآن، راهنمایی‌های کلی اخلاقی را پیشنهاد می‌دهد، چنین

بیان می‌دارد:

«این مطالب در قرن هفتم میلادی نازل شد که اعراب تلقی خاص و تصور نادرستی درباره زنان داشتند و رفتارهای وقیحانه‌ای علیه آنان انجام می‌دادند و همین امر به صدور دستورهایی خاص در آن فرهنگ انجامید» (Id., 1999: 9).

با همین نگاه است که ودود تعمیم دادن برخی از احکام حوزه زنان را نمی‌پذیرد و در نقد به تفاسیر دوره کلاسیک بیان می‌کند که آن‌ها با تعمیم احکام خاص قرآنی، کاری ظالمانه نسبت به زنان انجام داده‌اند و «راه حل‌های قرآن برای مسائل خاص به گونه‌ای تفسیر شده‌اند که گویی اصول کلی‌اند» (Ibid.: 99)؛ مثلاً درباره احکام راجع به لباس و پوشش، او اعتقاد دارد که قرآن تلقی‌ای عمومی درباره مسئله پوشش مطرح می‌کند و می‌گوید که لباس تقوا بهترین است، اما شریعت و فقه اسلامی، اشارات قرآن به شیوه‌های خاص اعراب قرن هفتم میلادی را مبنای استنباط فقهی درباره عفت در نظر می‌گیرد. در نتیجه پوشیدن نوع خاصی لباس، مثلاً روبند، نمونه‌ای مناسب از عفت قلمداد می‌شود. به این ترتیب، تعمیم روبند زدن موجب می‌شود که نمادهای عفت که در جامعه فرهنگی و اقتصادی عرب قرن هفتم میلادی تعریف شده بود نیز تعمیم یابد و از این طریق، تخصیص فرهنگی به تعالیم قرآنی اعمال شود. به اعتقاد او، این تخصیص در عمل، کاربرد تعالیم قرآنی را محدود می‌کند؛ چرا که فرهنگ‌ها لزوماً عقاید یکسانی درباره عفت ندارند (بهمن‌پوری و آل‌کثیر، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

ودود در این زمینه معتقد است آن چیزی که قرآن به ما می‌آموزد، اصل عفت است، نه روبند زدن و انزوا که نمادهایی مخصوص به آن بافت عربی بوده‌اند و هدف از بیان زمینه‌های تاریخی نزول یک آیه، فهم زمینه است، نه محدود کردن اصول قرآنی به آن زمینه (Wadud, 1999: 10-31).

توجه به بافت و زمینه نزول، در گرایش تفسیری بنت‌الشاطی نیز دیده می‌شود. آنچه در این گرایش تفسیری مدنظر است، فهم مخاطب در زمان نزول است. بر اساس این گرایش، لازم است مفسر، معانی الفاظ را مطابق زمان حدوث و آن گونه که توسط پیامبر ﷺ برای اطرافیانش تلاوت کرده، درک کند (خولی، ۱۹۳۳: ۵/۳۷۰).

تبیین دلالت و معنای الفاظ قرآن در محدوده فهم مردم عصر نزول تا آنجاست که

بنت الشاطی به پیروی از امین خولی، تفسیر علمی قرآن را رد می‌نماید. آن‌ها به جهات لغوی، ادبی، بلاغی، دینی و اعتقادی، قائل به پذیرش تفسیر علمی نیستند (همو، ۱۹۹۵: ۲۲۱-۲۲۲). برای مثال، بنت الشاطی در تفسیر آیه «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق/۲)، تفاسیری را که در فهم آیه از علم بیولوژی و جنین‌شناسی بهره می‌برند، رد کرده و اعتقاد دارد:

«برای قرآن غیر متصور است که برای مردمان عصر نزول، آیاتی را بیاورد که تصورش را هم نتوانند بکنند، چه برسد به درک و فهم آن. آن‌ها از علق چیزی را می‌فهمیدند که در لغتشان بود. برای فهم آن، نیازی به علم جنین‌شناسی نداشتند» (عبدالرحمن، ۱۹۶۸: ۱۷/۲-۱۸).

#### ۴-۶. بهره‌گیری از مجموعه‌های حدیثی و روایات

نواندیشان زن مسلمان تا حدود زیادی سنت حدیثی را به عنوان منبعی معتبر رد نموده، عقیده دارند که تدوین مجموعه‌های حدیثی شرعی در قرون هشتم تا دهم توسط مردان، موجب گردآوری احادیثی بر مبنای مردسالاری گردیده است (Hammer & Safi, 2013: 69). از این رو، این منابع یا اساساً نادیده انگاشته شده‌اند یا مورد استفاده اندک قرار گرفته‌اند. به گفته نواندیشان مسلمان، به کارگیری غلط این احادیث در تفاسیر کلاسیک باعث شده است که تصویری منفی از برخی زنان مذکور در قرآن در ذهن عموم مسلمانان ایجاد شود و نه فقط این زنان، بلکه با یک تعمیم معنا، همه زنان خطری برای انحراف در جوامع اسلامی محسوب گردند (Roded, 2006: 530 & 535).

بنت الشاطی نیز تنها از روایات شأن نزول آیات، آن هم برای رسیدن به فضای نزول سوره و به دست آوردن جایگاه سور بهره گرفته است. وی روایات اسباب نزول را یکی از طرق دستیابی به فضای نزول و تبیین صحیح آیات می‌داند (عبدالرحمن، ۱۹۶۲: ۱۰/۱-۱۱). بنت الشاطی از میان روایات، به روایات سبب نزول می‌پردازد تا فضای نزول آیات را درک نماید. از نظر او:

«روایات سبب نزول، جایگاه معتبری در فهم ظروفی دارند که ملابس و همراه نزول آیه‌اند» (همو، ۱۹۶۸: ۹/۲).

البته با توجه به اعتقاد بنت الشاطی در «اعتبار عموم لفظ، نه خصوص آیه»، استفاده

از اسباب نزول نمی‌تواند معنای آیه را محدود به سبب نزول کند.

استفاده بنت‌الشاطی از اسباب نزول، برای درک کلیت فضای نزول آیه و سوره است؛ از این رو پرداختن به جزئیات را ضروری نمی‌داند. برای مثال، درباره قصه حضرت موسی علیه السلام که در آیات ۱۵ تا ۲۶ سوره نازعات آمده است، اعتقاد دارد که خداوند این داستان را مفصل بیان نفرموده و تاریخ حادثه را محدود نکرده است. از این رو به جزئیات اشاره نکرده است؛ زیرا هدف از این قصه، عبرت از طغیانگری است و نه بیان جزئیات (همو، ۱۹۶۲: ۱۴۲/۱).

استفاده دیگری که بنت‌الشاطی از روایات اسباب نزول انجام می‌دهد، تنظیم آیات و سوره به ترتیب نزول، جهت شناخت فضاهای مکانی و زمانی آیات است. بنت‌الشاطی سعی در شناخت جایگاه و ترتیب نزول سوره از طریق روایات اسباب نزول دارد (همو، ۱۹۶۸: ۸/۲). او بر این باور است که ارتباط بین آیات در سوره‌هایی که در یک زمان واحد یا به طور پیوسته وحی نگردیده‌اند، صحیح نیست (همو، ۱۹۶۲: ۱۹۵/۱).

به طور کلی در فهم حدیثی او، سهم اندکی را به خود اختصاص داده است. از نظر آمده ودود و همفکرانش، سنت حدیثی، سنتی مردسالار بوده است. بنت‌الشاطی نیز از میان روایات، به اسباب نزول می‌پردازد که از آن برای درک فضای نزول آیات و یا تنظیم آیات و سوره به ترتیب نزول جهت شناخت فضاهای مکانی و زمانی آیات بهره می‌برد.

## ۵-۶. توجه به مفردات قرآن

آمنه ودود متأثر از جریان‌های فکری تأثیرگذار در مبانی او، به ارائه تعاریف جدید از واژگان کلیدی قرآن می‌پردازد تا در نگاهی فراتر از تساوی جنسیت، شأن واقعی زنان را در قرآن بیان کند (انوشیروانی، ۱۳۸۱: ۸۷/۱). از این رو، هر جا که نیاز باشد، به مفردات قرآن می‌پردازد؛ برای مثال در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء، بر روی چند واژه و معنای آن‌ها متمرکز می‌شود.

در فهم الفاظ و مفردات قرآنی، هم آمنه ودود و هم بنت‌الشاطی از جمع‌آوری سایر آیات که آن لفظ در آن استعمال شده است، بهره می‌گیرند؛ برای مثال، آنجا که آمنه ودود از تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء صحبت می‌کند، برای فهم واژه‌های «قوامون»، «ضرب»



و «قاتنات»، به سراغ سایر آیات که این واژه‌ها در آن‌ها به کار رفته‌اند، می‌رود. بنت‌الشاطی معتقد است که تفسیر کلمات قرآن بدون استقراء کامل و با در نظر گرفتن کاربرد آن‌ها در تمامی قرآن جایز نیست. همان‌گونه که نمی‌توان موضوعات قرآنی را بدون بررسی تمامی آیات و تفکر درباره بافت خاص آن‌ها در یک سوره و بافت کلی آن‌ها در تمام قرآن تبیین نمود (بولاتا، ۱۹۷۴: ۱۰۴-۱۰۵).

بنت‌الشاطی درباره برخوردش با مفردات قرآنی و روشی که اتخاذ کرده، می‌گوید: «روش ما در اینجا استقراء لفظ قرآنی در تمام مواضع ورودش در قرآن است تا به دلالت آن دست یابیم و ظاهر اسلوبش را بر تمام نظائرش در قرآن عرضه نماییم، سپس در سیاق خاص [سوره و آیه] و عام [کل قرآن] آن تدبر کنیم تا به سرّ بیانی و معنای حقیقی آن برسیم. در این راه، معاجم لغوی و کتب تفسیر را به خدمت می‌گیریم و سعی می‌کنیم تا با بررسی کاربردهای آن، حسّ عربی الفاظ را درک نماییم... قول به دلالت خاص برای الفاظ قرآنی، سایر دلالات معاجم را تحطئه نمی‌کند... مقصود ما این است که بگوییم قرآن معجم ویژه و بیان معجزه مخصوص به خود را دارد» (عبدالرحمن، ۱۹۶۸: ۷/۲-۸).

در مواجهه با مفردات قرآنی باید اشاره کرد که بنت‌الشاطی به عدم وجود مترادف در قرآن قائل است. لذا بیان می‌کند که کلمات مترادف، معنای خاص خود را دارند و هیچ کلمه دیگری نمی‌تواند جایگزین آن‌ها گردد (همو، ۱۹۶۴: ۱۸/۱). بنابراین، هر دو قرآن‌پژوه در فهم قرآنی خویش به مفردات قرآنی توجه می‌نمایند و فهم دلالت الفاظ را با در نظر گرفتن کاربرد آن در تمامی قرآن مدنظر دارند.

## ۶-۶. اجتهاد و تعقل

با توجه به گرایش تفسیری ودود و بنت‌الشاطی درمی‌یابیم که عنصر «اجتهاد» در هر دو مشترک است. مفسر در تفسیر ادبی «در اجتهاد برای تفسیر آیات، بیش از هر چیز به توضیح ادبی آیات پرداخته و در فهم معنا و نکات و اشارات آیات، بیشتر از ادبیات عرب و تحلیل‌های ادبی کمک می‌گیرد» (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶/۲). مفسران نواندیش چون آمنه ودود نیز بر تعقل شخصی خود تکیه کرده و قرآن را بهترین منبع فهم اسلام می‌دانند؛ از این رو به تدبر در قرآن می‌پردازند. به عبارت دیگر، مشی تفسیری آن‌ها، تفکر بر

ظاهر قرآن است (Badran, 2002: 201).

هرچند در این اجتهاد باید از ورطه تفسیر به رأی در امان ماند. تفسیر به رأی تفسیری است که نظر و اندیشه مفسر، محور استنباط می‌باشد. این رویکرد نادرست، یا به دلیل جهت‌گیری‌های فکری است یا ریشه در استبداد رأی و عدم استفاده از ابزار فهم صحیح قرآن دارد (ذهبی، بی‌تا: ۱/۲۶۴-۲۶۵؛ زرقانی، ۱۹۴۸: ۱/۵۱۸؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۱/۶۹-۷۰؛ ایزدی مبارکه، ۱۳۷۶: ۳۹). از این رو باید در نظر داشت همچنان که می‌توان با نفی نگاه مردسالارانه در تفاسیر کلاسیک، به سراغ فهم قرآنی خویش رفت تا با اثبات نگاه فراجنسیتی، حقوق زنان را اعاده نمود، پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های زنانه می‌تواند مفسر را وا دارد تا برای رسیدن به مقصود خویش، استنباط‌های شخصی را نیز دخیل سازد.

عدم توجه به این موضوع سبب شده که آمنه ودود، پیشنهاد «نه گفتن» به برخی از عبارات قرآن را ارائه دهد. این امر را می‌توان در نوشته‌هایش در کتاب *جهاد جنسیتی* مشاهده نمود. آمنه ودود عقیده «درنگ وجدانی» خالد ابوالفضل را بر اساس «پارادایم توحیدی» به کار گرفت تا ابزاری باشد جهت گشودن راهی برای «نه گفتن» به متن یا عبارات معینی از قرآن (بیرامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱)؛ چنانچه در کتاب *جهاد جنسیتی*، چالشی را بر اساس قرآن به متنی الهی و یکپارچه با احتمال «نه گفتن» به آن در برخی موارد معرفی می‌نماید (Wadud, 2006: 200). آنچه به ودود اجازه می‌دهد که چنین روشی را برگزیند، این بیان است:

«شناخت ما از خداوند و تجلی خداوند برای ما تنها از طریق متن اتفاق نمی‌افتد و رجوع ما به وجدانمان و شناخت وجدانی ما از خداوند نیز می‌تواند دخیل باشد» (Ibid.: 201).

این امر کمک می‌کند که هر گاه عباراتی را خلاف اهداف و مقاصد خود دید، آن را کنار بزند؛ برای مثال در تفسیر آیه ۳۴ به این نتیجه رسیده است که باید به پیاده‌سازی لغوی عباراتی که شامل ضرب زنان در آیه است، «نه» گفت (Ibid.: 199). این موضوع، رگه‌هایی از تفسیر به رأی را نشان می‌دهد؛ تا جایی که «کچیا علی» از زنان جریان فمینیست اسلامی به صراحت بیان می‌کند:

«خداوند نمی‌خواهد مسلمانان بر خلاف آنچه شعور یا وجدان به آن‌ها املاء می‌کند، عمل نمایند؛ از این رو نیازمند درنگ وجدانی در فهم و «نه گفتن» به عبارت هستیم»

## ۶-۷. استفاده از سیاق آیات

بنت‌الشاطی برای رد و قبول نظرات سایر مفسران به سیاق آیات استناد جسته و بیان می‌کند که برای فهم مقاصد آیات و اسرار تعابیر قرآن، لازم است از طریق سیاق به آنچه نصّ و روح آیه آن را گواهی می‌دهد، توجه نماییم و سپس اقوال مفسران را بر معنای مبتنی بر سیاق و به دست‌آمده از نصّ عرضه نموده و دیدگاه‌ها و آرای را بپذیریم که نصّ آیه، آن را بپذیرد و از اسرائیلیات و آرای نادرست و تأویل‌های بدعت‌آمیز دوری کنیم (عبدالرحمن، ۱۹۶۲: ۱۱/۱). در روش آمنه ودود، اشاره روشنی به سیاق آیات نشده است.

## ۶-۸. هرمنوتیک توحیدی

ودود متأثر از «نظریه دو حرکتی» فضل‌الرحمن، شیوه هرمنوتیک توحیدی را در کتاب قرآن و زن مطرح می‌کند. «نظریه دو حرکتی» فضل‌الرحمن از این قرار است که جهت فهم قرآن، در مرحله نخست باید پیام قرآن را با توجه به شرایط تاریخی مربوط به آن دریافت کرد و در مرحله بعد با تعمیم آن پیام، جهان‌بینی و کل‌نگری قرآن را تبیین نمود و در نهایت از آن برداشت‌ها و جهان‌بینی، پاسخ‌هایی متناسب با شرایط عصری و اجتماعی ارائه داد<sup>۱</sup> (Rahman, 1982: 6-10). بر این اساس، آمنه ودود الگوی هرمنوتیکی خود را با سه جنبه از متن در ارتباط می‌داند:

- زمینه‌ای که متن در آن نوشته شده است که همان سبب نزول و شأن نزول است.

- ساختار دستوری متن.

- کلیت متن که همان جهان‌بینی متن است.

بر اساس هرمنوتیک توحیدی، ودود بر چگونگی وحدت در همه بخش‌های قرآن تأکید دارد و به جای تأکید بر معنای هر آیه، بر ایجاد انسجام و هم‌آوایی و پیوستگی معنایی کامل در همه قسمت‌های قرآن استوار است (Wadud, 1999: xii, preface).

۱. یکی از نقدهایی که به نظریه دو حرکتی وارد است، این است که این نظریه از حوزه احکام اجتماعی می‌تواند به احکام غیر اجتماعی مانند نماز نیز ورود کند و به شریعت جنبه تاریخی داده و در جهت عرفی کردن دین عمل نموده و جهان‌بینی قرآن را به یک جهان‌بینی اسطوره‌ای تبدیل نماید (علمی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

## ۷. واکاوی گرایش تفسیری آمنه ودود و بنت الشاطی

گرایش تفسیری یا اتجاهات تفسیری را می‌توان «گرایش‌های خاص مفسران تعریف کرد که بر اثر افکار و عقاید یا تخصص علمی یا مکتب تفسیری آنان در تفاسیرشان رخ نموده است» (بابی، ۱۳۹۱: ۱۷/۱). بسته به مفسر، این گرایش‌ها می‌توانند متنوع باشند. برخی از این گرایش‌ها عبارت‌اند از: ادبی، فقهی، اشاری، فلسفی، اجتماعی، اخلاقی، تاریخی و علمی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۸؛ شاکر، ۱۳۸۲: ۴۹).

گرایش اجتماعی نیز از جمله گرایش‌هایی است که در سده اخیر مورد توجه قرار گرفته است. تحولاتی که در قرن بیستم میلادی صورت گرفت، مسلمانان را بر آن داشت که با بازگشت به قرآن، به نگارش تفاسیری با گرایش‌های اجتماعی روی آورند. این امر، «نهضت بازگشت به قرآن» نام گرفت. با توجه به مبانی فقهی اهل سنت و نگاهی که نسبت به مسئله اجتهاد داشتند، از قرن چهارم هجری، باب تلاش‌های علمی و استنباط متناسب با نیازهای روز از بستر قرآن مسدود شد. اما روند تحولات در جهان که پیشرفت کشورهای غربی و عقب‌ماندگی و استعمارزدگی کشورهای مسلمان را در پی داشت، محققان مسلمان را بر آن داشت که با رجوع به قرآن، برای بهبود شرایط چاره‌جویی کنند. از این رو «یافتن پاسخی برای مسئله چگونگی ارتباط میان ابدیت و جاودانگی قرآن با تغییرات هر عصر، باب اجتهاد در بین اهل سنت را گشود» (کلانتری، ۱۳۸۲: ۴۳). این امر، نواندیشان مسلمان را بر آن داشت تا برای پاسخ‌گویی به مسائل پیش رو به سراغ قرآن بروند.<sup>۱</sup> تحولات شکل گرفته در جوامع، گروه‌های مختلف را به تکاپو کشانده بود تا برای درمان آنچه در اجتماع در حال رخ دادن بود، نسخه‌ای مناسب بیابند. در رویکرد و گرایش اجتماعی در مواجهه با قرآن، معمولاً از یکسو آیات مرتبط با مسائل اجتماعی تفسیر می‌شود و از طرف دیگر، مشکلات جامعه کانون توجه قرار می‌گیرد (ایازی، ۱۳۷۳: ۶۷۰؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۹).

جریانات اجتماعی، خود به زیرشاخه‌هایی تقسیم می‌شود که از آن میان می‌توان به

۱. البته درباره لزوم ارائه تفاسیر جدید و توجه به نیاز روز، این ادعا فقط از سوی نواندیشان مطرح نشده است. بلکه دیگر اندیشمندان نیز به این حوزه ورود کرده و از شرایط و ضوابط آن سخن گفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۰۹؛ مطهری، ۱۳۷۶: ۲۲۲).

جریان فمینیسم<sup>۱</sup> اشاره کرد. هرچند این جریان اجتماعی دارای یک تعریف واحد نیست و ممکن است در میان این جریان، شاخه‌های متفاوتی با جهت‌گیری‌های خاص مشاهده شود، اما در یک تعریف ساده می‌توان گفت فمینیست‌ها بر این باورند که زنان دارای حقوقی مساوی و مشابه با مردان هستند (Coole, 1988: 2). از این رو در گام نخست به دنبال تصدیق و اثبات «تساوی جنسیتی»<sup>۲</sup> هستند و در گام بعد، راه‌هایی را برای تأمین حقوق زنان معرفی می‌نمایند. تحت تأثیر این جریان‌ها در غرب، گروهی از زنان مسلمان، موج فمینیستی را در جهان اسلام شکل دادند. موج اول «فمینیسم با اسلام» نام گرفت و موج بعدی را «فمینیسم اسلامی» نام نهادند. موج دوم در نسبت با موج اول، تمرکز خود را از حقوق زنان به تساوی جنسیتی و برابری اجتماعی به عنوان اصل بنیادین قرآن کریم تغییر داد (Badran, 2002: 199). هدف این جریان‌ها اجتماعی آن بود که از طریق قرآن بتوانند به احقاق حقوق زنان و اصلاح جایگاه اجتماعی آنان کمک نمایند. در این میان، گروهی از زنان مسلمان که «فمینیست‌های هرمنوتیک»<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند، سعی در اثبات «تساوی جنسیتی» در قرآن داشتند (Ibid.: 202). آمنه و دود یکی از چهره‌های شاخص این جریان است. او با ادعای اینکه تفاسیر کلاسیک مسلمانان، با رویکردی مردسالارانه به نگارش درآمده‌اند، تلاش می‌کند تا خوانشی جدید از قرآن ارائه دهد که به حل مسائل زنان در جامعه یاری رساند. تجربه‌های زیسته آمنه و دود، او را با پیش‌فرض‌هایی به وادی بازخوانی قرآن کشاند؛ چه اینکه او در دوران تبعیض نژادی در جامعه آمریکا زندگی می‌کرد؛ جامعه‌ای که زنان تا چندی پیش از انقلاب جنسیتی، شهروندان درجه دو محسوب می‌شدند.

ذکر این نکته لازم است که عنوان فمینیسم، از بیرون این جریان به ایشان اطلاق شده است و کسانی چون آمنه و دود و بارلاس<sup>۴</sup> از پذیرش برجسب فمینیسم ابا دارند و نمی‌خواهند که گفتمان خود را به گفتمان فمینیسم محدود کنند؛ بلکه قصد دارند تلاش

1. Feminism.
2. Gender equality.
3. Hermonotic Feminists.

۴. Asma Barlas: متولد ۱۹۵۰ م.، پژوهشگر پاکستانی در زمینه زنان و اسلام.

خود را در راستای خوانش ضد مردسالارانه از قرآن معطوف دارند (Barlas, 2002: 15). به هر حال، این جریان مشابهت‌هایی با جریان‌های فمینیستی دارد. طبق تعریف بدران:<sup>۱</sup> «[فمینیسم اسلامی] یک گفتمان و کنش‌ورزی فمینیستی درون یک سرمشق اسلامی است. فمینیسم اسلامی که فهم و دستورالعملش را از قرآن می‌گیرد، به دنبال حقوق و عدالت برای زنان و نیز مردان در تمامیت هستی‌شان است» (Badran, 2009: 15).

بنابراین گرایش آمنة ودود در آنچه برای فهم قرآنی صورت می‌دهد، گرایشی اجتماعی در حوزه زنان با نگاه فراجنسیتی است. در گرایش اجتماعی فراجنسیتی، آمنة ودود در تلاش است تا از بستر قرآن، پاسخی برای حل مسئله زنان در عصر حاضر بیابد. یکی از گرایش‌های تفسیری معاصر در جهان اسلام، گرایش تفسیر ادبی است که معمولاً امین خولی را بنیان‌گذار آن می‌شمرند (ر.ک: شریف، ۱۴۰۲: ۴۹۱؛ رومی، ۱۴۱۸: ۸۸۱/۳؛ جوینی، ۲۰۰۲: ۹). البته امین خولی هیچ اثر تفسیری با این گرایش ارائه نداد. اما آثار او و مقالاتش راه را برای دنبال‌کنندگان این جریان تفسیری باز نمود که عایشه عبدالرحمن یکی از آنهاست؛ به گونه‌ای که پیروی از روش امین خولی، بنت‌الشاطی را یکی از چهار یا پنج قرآن‌پژوه شاخص در مکتب ادبی در تفسیر گردانیده است. در تفسیر ادبی، معیار فهم، فهم اولیه مخاطبان قرآن است و مبتنی بر این گرایش، لازم است معانی واژگان، الفاظ و تعابیر قرآنی، مطابق زمان نزول و آن گونه که پیامبر ﷺ برای صحابه تلاوت کرده، برداشت شود (خولی، ۱۹۳۳: ۳۷۰/۵). در این گرایش تفسیری، قرآن کریم متنی ادبی تلقی می‌شود و مفسر می‌کوشد آیات قرآن را با تکیه بر ادبیات و علوم ادبی تفسیر کند. این گرایش تفسیری در عایشه بنت‌الشاطی سبب شد که وی رو به نظریه «اعجاز بیانی» بیاورد و معجزه بودن کلام الهی را از این زاویه بررسی نماید. از این رو در کتاب *اعجاز بیانی خود با پرداختن به مسئله اعجاز و تحدی*، به واکاوی این موضوع و ارائه نظراتش می‌پردازد.

## نتیجه‌گیری

۱- در بررسی تطبیقی رویکردهای قرآن‌پژوهی آمنة ودود و بنت‌الشاطی، «جاودانه بودن

۱. Margot Badran: متولد ۱۹۳۶ م.، پژوهشگر مصری‌تبار آمریکایی در زمینه زنان و اسلام.

و فراعصری بودن پیام قرآن»، مبنای مشترکی است که با عنایت به گرایش اجتماعی آمنه ودود، جنبه کاربردی تر و ملموس تری در برداشت های تفسیری وی دارد.

۲- مبنای آمنه ودود در برخورد با زبان عربی به عنوان زبان قرآن، از حیث توجه به جنسیت‌مندی زبان عربی و نیز عدم امکان تحقق الوهیت در قالب دستور زبان انسانی است، هرچند برای فهم قرآن، خود را بی‌نیاز از درک ساختارهای نحوی و صرفی متن نمی‌بیند. اما از آنجا که اهتمام بنت‌الشاطی نشان دادن اعجاز بیانی قرآن است، اعتقاد دارد که برای فهم دلالت الفاظ باید به زبان عربی و حتی روحیه سخنوران آن توجه نمود.

۳- همچنین هر دو قرآن‌پژوه، به بافت و زمینه نزول آیات توجه دارند که البته این امر بسته به گرایش تفسیری آنان، نتایج مختلفی دارد. آمنه ودود اعتقاد دارد که ناهنجاری‌ها و نگاه تبعیض‌آمیزی که در جامعه نسبت به زن وجود دارد، حاصل تفکرات مردسالارانه جریان تفسیری، حدیثی، فقهی و... است. لذا نگاه فراجنسیتی، از مبانی اساسی فهم قرآنی آمنه ودود است تا با واکاوی آن به حل مسائل عصری زنان کمک نماید. مخالفت با هر گونه مرجعیتی اعم از مرجعیت مردان، مرجعیت تفاسیر کلاسیک و نیز پذیرش پارادایم توحیدی، از مبانی خاص آمنه ودود است. حال آنکه بنت‌الشاطی، نگاه فراجنسیتی را مسئله اولویت‌داری در تفسیر قلمداد نمی‌کند و تلاش دارد تا از نگاه زبان‌شناسانه، بر اعجاز بیانی قرآن، نظراتی را مؤکد و یا نظر خاص خود را مطرح نماید.

۴- هر دو اندیشمند قرآنی، رویکردی کل‌گرایانه به قرآن دارند و مطالعه موضوعی آن را در برابر تفسیر جزء‌گرایانه پیشنهاد می‌دهند. روش مشترک دیگر که برآمده از گرایش تفسیری ایشان است، عنصر «اجتهاد و تعقل» است. به نظر می‌رسد آمنه ودود با ارائه پیشنهاد «نه گفتن» به برخی از عبارات قرآن که با اهداف فراجنسیتی او همخوانی ندارد، مرز میان اجتهاد و تفسیر به رأی را مخدوش می‌نماید.

۵- آمنه ودود با توجه به مبانی هرمنوتیکی، به جریان باز تفسیری اعتقاد دارد که بیان می‌کند هیچ نگاه واحدی نمی‌تواند پایان‌بخش تفسیر باشد. اما به نظر می‌رسد که بنت‌الشاطی این روش خوانش قرآن را نمی‌پسندد؛ زیرا او ارائه وجوه معنایی مختلف از سوی اهل لغت و سایر مفسران را نمی‌پذیرد و سعی دارد تا از هر واژه، یک معنا را استخراج نماید.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، معجم مقانیس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳. انوشیروانی، علیرضا، اصول و نظریه‌های فمینیسم در غرب؛ همایش اسلام و فمینیسم (مجموعه مقالات)، جلد اول، مشهد، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۱ ش.
۴. ایازی، سیدمحمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۵. ایزدی مبارکه، کامران، شروط و آداب تفسیر و مفسر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۶. بابایی، علی اکبر، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۷. بارلاس، اسماء، «بازخوانی متن مقدس از منظر زنان؛ تفسیر آینه دود از قرآن»، ترجمه مهرداد عباسی و متینة‌السادات موسوی، دوماهنامه آینه پژوهش، سال بیست و چهارم، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲ ش.
۸. بولاتا، عیسی، تفسیر مدرن قرآن؛ روش بنت‌الشاطی، بی‌جا، جهان اسلام، ۱۹۷۴ م.
۹. بهمن پوری، عبدالله، و صدیقه آل کنیر، «بررسی و نقد استنباط فمینیست‌ها از حجاب»، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۱۰. بیرامی، رقیه و دیگران، «از هرمنوتیک توحیدی تا پارادایم توحیدی؛ بررسی تطور روش‌شناسی آینه دود در فهم قرآن»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۱. پارسانیا، حمید، «روش‌شناسی و اندیشه سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۱۲. جوینی، مصطفی صاوی، التفسیر الادبی للنص القرآنی، اسکندریه، منشأة المعارف، ۲۰۰۲ م.
۱۳. خندق‌آبادی، حسین، «متن‌گرایی تاریخی؛ نگاهی به روش تفسیری آینه دود با تمرکز بر تفسیر آیه ۳۴ سورة النساء»، فصلنامه سراج منیر، سال ششم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۴ ش.
۱۴. خولی، امین، «التفسیر»، در: دائرة المعارف الاسلامیه، ترجمه احمد شنتاوی و دیگران، بیروت، دار الفکر، ۱۹۳۳ م.
۱۵. همو، مناهج تجدید فی النحو و البلاغة و التفسیر و الادب، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۵ م.
۱۶. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. رودگر، نرجس، فمینیسم؛ تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۴۸ م.
۲۲. شاکر، محمدکاظم، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.



۲۳. شاکر، محمد کاظم، و نانسی ساکی، «بنت الشاطی و ساماندهی تفسیر ادبی»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۲۴. شریف، محمد ابراهیم، *اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر*، قاهره، دار التراث، ۱۴۰۲ ق.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، *قرآن در اسلام*، چاپ دهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. طیب حسینی، سید محمود، «با بنت الشاطی در التفسیر البیانی»، *دوماهنامه آینه پژوهش*، شماره ۱۱۳، آذر و دی ۱۳۸۷ ش.
۲۸. طیب حسینی، سید محمود، و ذبیح اله سهرابی کواری، «شیوه تفسیر بیانی در "التفسیر البیانی"»، *فصلنامه حسنا*، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۹. عباسی، مهرداد، و متینة السادات موسوی، «قرائتی نواز قرآن با رهیافتی زن محور؛ بررسی دیدگاه های آمنه ودود در کتاب قرآن و زن»، *دوفصلنامه پژوهش نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۳۰. عبدالرحمن، عائشه، *التفسیر البیانی*، جلد ۱، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۲ م.
۳۱. همو، *التفسیر البیانی*، جلد ۲، قاهره، دار المعارف، ۱۹۶۸ م.
۳۲. همو، مسئله ترداد در پرتو قرآن، *مشروحات بیست و ششمین کنگره بین المللی خاورشناسان*، ۴ مجلد، ۱۹۶۴ م.
۳۳. علمی، محمدجعفر، «بررسی و نقد نظریه فضل الرحمان در بازسازی اجتهاد در دین»، *فصلنامه علم سیاسی*، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۶ ش.
۳۴. کریمی نیا، مرتضی، «بنت الشاطی»، در: *دانشنامه جهان اسلام*، شماره ۴، ۱۳۷۹ ش.
۳۵. کلاتری، ابراهیم، *قرآن و چگونگی پاسخ گویی به نیازهای زمان*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲ ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، *ده گفتار*، چاپ سیزدهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۳۷. معرفت، محمد هادی، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه التشیب*، مشهد، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
۳۸. مؤدب، سیدرضا، *تاریخ حدیث*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۸ ش.
۳۹. همو، *روش های تفسیر قرآن*، قم، اشراق، ۱۳۸۰ ش.
۴۰. واعظی، احمد، *درآمدی بر هرمنوتیک*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۴۱. ودود، آمنه، *قرآن و زن؛ بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن*، ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران، حکمت، ۱۳۹۳ ش.
۴۲. ویلفورد، ریک، «فمینیسم»، در: *مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی*، ترجمه محمد قاندر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵ ش.
43. Abou El Fadl, Khaled, *Speaking in God's Name: Islamic Law, Authority and Women*, London, Oxford, 2001.
44. Badran, Margot, "Feminism and the Qur'an", in: *Encyclopaedia of the Qur'an*, Boston, Leiden, 2002.
45. Id., *Feminism in Islam: Secular and Religious Convergences*, Oxford, Oneworld Publications, 2009.

46. Barlas, Asma, *“Believing Women” in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Qur’an*, Texas, Austin, University of Texas Press, 2002.
47. Coole, Dianna H., *Women in Political Theory: From Ancient Misogyny to Contemporary Feminism*, Brighton, Wheatsheaf, 1988.
48. Hammer, Julian & Omid Safi, *Studying American Muslim Women, Religious Authority, and Activism: More Than a Prayer*, Cambridge, Cambridge University Press, 2013.
49. Hidayatullah, Aysha A., *Feminist Edges of the Qur’an*, New York, Oxford University Press, 2014.
50. Rahman, Fazlur, *Islam & Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*, Chicago, University of Chicago Press, 1982.
51. Ricoueur, Paul, *Hermeneutics and the Human Sciences: Essays on Language, Action and Interpretation*, John B. Thompson (Ed. & Trans.), Cambridge University Press, 1981.
52. Roded, Ruth, “Women and the Qur’ān”, in: *Encyclopaedia of the Qur’ān*, Boston, Brill, Leiden, 2006.
53. Wadud, Amina, “Alternative Quranic Interpretation and the Status of Women”, in: Gisela Webb (Ed.), *Windows of Faith: Muslim Women Scholar-Activists of North America (Women and Gender in Religion)*, Syracuse University Press, 2000.
54. Id., *Inside The Gender Jihad: Women’s Reform in Islam (Islam in the Twenty-First Century)*, Oxford, Oneworld Publications, 2006.
55. Id., *Qur’an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman’s Perspective*, New York, Oxford University Press, 1999.